

معرفی، نقد و بررسی کتاب

# اخبار الطوال

○ علی اکبر عباسی

○ اخبار الطوال
○ تألیف: ابوحنیفه احمد بن داود دینوری
○ تحقیق: عبدالمنعم عامر
○ مراجعه: جمال الدین شیال
○ ترجمه: دکتر محمود مهدوی دامغانی
○ ناشر: نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴

سجادی می‌نویسند: «دینوری می‌خواست نقش ایران و عراق را در تاریخ نشان دهد و دوره ساسانی و عباسی را برای این کار برگزید»<sup>۱</sup>.

قسمت اول نظر این دو نویسنده در مورد انگیزه دینوری از نگارش **اخبار الطوال** در جای جای کتاب تأیید می‌شود؛ ولی قسمت دوم دیدگاه‌شان را نمی‌توان به طور کامل پذیرفت زیرا در این کتاب تأکید بر ساسانیان و عباسیان آن گونه که باید و شاید نیست. وی از پادشاهی دارا [هخامنشی] و اسکندر و فتوحاتش و پادشاهی ملوک الطوائف و اطلاعاتی هم از اعراب به دست می‌دهد. همچنین ساسانیان را بیشتر از اشکانیان و اواخر ساسانیان را خیلی بیشتر از ابتدای دوره ساسانی توضیح می‌دهد. مجموع قسمت ایران باستان و پیامبران، ۱۴۲ ص و تاریخ اسلام، ۳۰۴ ص است. روند مطالب به صورت گسترش مطالب در قرون متأخر و نزدیک به زمان دینوری می‌باشد و راجع به عباسیان هم از امویان بیشتر توضیح نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

مؤلف خود، هیچ تقسیم‌بندی برای کتابش

مهندساً، منجماً، روایة ثقه و مورخاً، جمع بین حکمة الفلاسفه و بیان العرب»<sup>۲</sup>. دکتر زرین کوب ضمن معرفی اثر ابوحنیفه در طب می‌نویسد: ضمن استفاده از کتاب‌های دیگر خالی از نکته‌های کاملاً تازه نیست.<sup>۳</sup>

طبق توضیح مترجم این کتاب با تلاش **گیرگاس، رزن و کراچکوفسکی** تنظیم و چاپ شده و سپس **عبدالمنعم عامر** به نسخه‌ای دیگر غیر از نسخی که در اختیار چاپ‌کنندگان اولی بوده دست یافته و نسخه مذکور فعلاً قدیمی‌ترین نسخه است و آقای عبدالمنعم عامر این نسخه را پس از مقابله با نسخه چاپ شده بریل، اساس قرار داده است. بنابراین می‌توان گفت بهترین نسخه موجود در اختیار ایشان بوده است. چاپ اول کتاب به اهتمام عبدالمنعم عامر در ۱۹۶۰ م. در قاهره انجام شده است.<sup>۴</sup>

هدف مؤلف، تألیف کتابی در زمینه تاریخ عمومی و اسلام، با تأکید بر حوادث تاریخ ایران بوده است. در مورد هدف دینوری، دکتر **عالم‌زاده** و دکتر

**ابوحنیفه احمد بن داود بن وکند دینوری**، کنیه، نام وی، نام پدر و نام جدش در منابع یکسان است.<sup>۱</sup> محل تولد وی دینور بوده و سال تولدش دقیقاً مشخص نیست. مرگ وی را در اواخر قرن سوم در سال‌های ۲۲۸، ۲۸۲ و ۲۹۰ هـ. ق. نوشته‌اند<sup>۲</sup> بنابراین وی از دانشمندان قرن سوم هجری محسوب می‌گردد.

شهر دینور بین کنگاور و کرمانشاه قرار داشته و به گفته **یاقوت حموی**، دانشمندان دیگری غیر از دینوری (ابوحنیفه) به این شهر منسوبند.

**فرید وجدی** غیر از **ابوحنیفه** و **ابن قتیبه**، پنج دانشمند دیگر را که به دینوری منسوبند نام برده است<sup>۳</sup> **دهخدا** نیز سه دانشمند معروف به دینوری را در لغت‌نامه ذکر نموده است.<sup>۴</sup>

دینوری دارای تألیفاتی در زمینه‌های ریاضی، نجوم، لغت، نحو و تاریخ بوده است که مترجم کتاب با استناد به منابع در مقدمه به آنها اشاره نموده است<sup>۵</sup> دکتر **کسائی** به نقل از **یاقوت**، **جرجی زیدان** و **الزرکلی** در مورد وی می‌گوید: «صار نحوياً، لغویاً،

## هدف مؤلف، تألیف کتابی در زمینه تاریخ عمومی و اسلام، با تأکید بر حوادث تاریخ ایران بوده است

با توجه به اینکه مؤلف قیام‌های علوی و ضداموی و  
ضدعباسی را مفصل‌تر توضیح داده و برای ابوبکر و عمر  
عنوان رضی الله عنه قرار داده و برای امام حسین (ع)  
در دوران قیام علیهم السلام و قبل از آن رضی الله عنه و  
برای زید بن علی رضی الله عنه ذکر می‌کند می‌توان نتیجه گرفت که  
دینوری احتمالاً مذهب شیعه زیدی داشته است



مأمون تا اندازه‌ای هم ماجرای ساختن شهر بغداد و شورش بابک و ماجراهای افشین. در عین حال از بسیاری از وقایع آن دوران هم چشم‌پوشی نموده و یا فقط اشاره نموده است مانند غدر و مکر هارون و مأمون نسبت به برامکه و آل سهل و همچنین ماجرای ولایتعهدی امام رضا (ع).

مؤلف برخلاف شیوه مورخان هم عصر خویش غالباً سلسله اسناد را حذف نموده و از عبارت «قال» و یا «قالوا» استفاده نموده است. در مواردی که راوی را نام می‌برد فقط نام راوی و یا نام وی و نام پدرش را ذکر می‌کند و از ذکر سلسله سند خودداری می‌کند.

مؤلف از بیان آیات قرآنی که توسط افراد به مناسبت حوادث و رویدادها بیان شده نمونه‌هایی را ذکر می‌کند؛ از شاعران زیادی نام می‌برد و شعرهای زیادی را نیز به عنوان شاهد می‌آورد.

از آنچه در لوحه عنوان - چاپ شده در ابتدای متن عربی - آمده تا اندازه‌ای می‌توان گرایشات دینوری را نسبت به حوادث و قیام‌ها شناخت. وی در این متن دوران خلفای راشدین را با نام ذکر الائمة و الخلفاء و قیام امام حسین (ع) و قیام مختار را با ذکر مقتل حسین بن علی رضی الله عنهما و مقتل مختار بن ابی عبید یاد می‌کند و در مورد ابن زبیر، ابن اشعث و خوارج گوید: فتنه ابن زبیر، خروج عبدالرحمن [بن محمد] بن اشعث و خروج الازرقه<sup>۱۱</sup> دینوری برای خلفای نخستین عنوان رضی الله عنه<sup>۱۲</sup> را به کار می‌برد و برای حضرت علی (ع) هم همین عنوان را تکرار می‌کند.<sup>۱۳</sup> برای امام حسین (ع)، قبل از واقعه کربلا عنوان رضی الله عنه<sup>۱۴</sup> و در سراسر توضیح ماجرای کربلا عنوان علیه السلام<sup>۱۵</sup> را ذکر می‌کند، برای امام حسن (ع) عنوان رضی الله عنه<sup>۱۶</sup> را و برای بسیاری از علویان از جمله زید بن علی بن حسین و عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام<sup>۱۸</sup> و

خسرو و شیرویه پس از خلع خسرو پرویز از تفصیل زیادی برخوردار است. در حوادث تاریخ اسلام با توجه به تأکید بر تاریخ ایران از برخوردهای پراکنده اعراب و ایرانیان در خلافت ابوبکر شروع کرده و حوادث دوران خلافت عمر را - در جبهه ایران - مفصل توضیح می‌دهد و دوران عثمان را در یک صفحه و نیم خلاصه نموده، ولی دوران خلافت پنج ساله حضرت علی (ع) را مفصل نگاشته است. در مورد ماجراهایی چون صفین و حکمیت، فرماندهان و اشعار شاعران نسبت به حجم کتاب به تفصیل سخن رانده است، خلافت معاویه را در سه موضوع: استلحاق زیاد بن ابیه و رحلت امام حسن (ع) و ماجرای حبر بن عدی خلاصه کرده، حوادث خلافت یزید، به‌ویژه قیام امام حسین (ع) را مفصل توضیح داده و در این مورد مقصر اصلی را ابن زیاد معرفی می‌کند.<sup>۱۷</sup>

نسبت به سایر منابع از قیام مختار با جانبداری بیشتر و نیکی یاد می‌کند، فتنه ابن زبیر و خصوصیاتش را به طور ضمنی بیان می‌نماید، جنگ‌های مهلب با خوارج را توضیح می‌دهد، و حوادث دوران خلفای اموی را مثل سایر قسمت‌های کتاب، گزینشی توضیح می‌دهد و بقیه را بسیار مختصر ذکر می‌کند. اما در مورد فتنه عبدالرحمن بن محمد بن اشعث در دوران عبدالملک و تعیین حاکم خراسان در دوران هشام، مطلب از تفصیل زیادی برخوردار است. همچنین تمام دوران سلیمان را به چگونگی تعیین عمر بن عبدالعزیز به عنوان جانشین اختصاص داده، نیز درگیری اعراب قحطانی و عدنانی در خراسان را مفصل توضیح داده است، و بسیاری از حوادث را یا بیان نکرده و یا بسیار به اجمال از آنها گذشته است.

در حوادث دوران بنی‌عباس آنچه مفصل نگاشته شده ظهور بنی‌عباس، و محاصره ابن هبیره توسط حسن بن قحطبه و منصور، درگیری امین و

صورت نداده و حتی عنوان‌های صفحات مختلف کتاب، با توجه به اینکه داخل کروش قرار دارد، احتمالاً از مصحح بوده و توسط ایشان براساس موضوع هر قسمت انتخاب گردیده است. با این وجود اخبار الطوال را می‌توان به سه بخش کلی تقسیم نمود که عبارت‌اند از:

۱. تاریخ پیامبران: که با بیان سکونت آدم در زمین شروع شده و در مورد زندگی و نسل وی و زندگانی دیگر پیامبران نظیر ادریس، نوح، هود، ابراهیم، اسماعیل و... تا ظهور عیسی است مطالب ابوحنیفه در این بخش نه از لحاظ زمانی و نه مکانی پیوسته و مرتب نیست، واقعیت‌ها همراه با افسانه‌ها و اسطوره‌ها ذکر گردیده است. از پیامبرانی چون یوسف و هارون سخنی نیامده و از موسی با اینکه اولی‌العزم می‌باشد و در قرآن هم خیلی به او اشاره گردیده، موارد اندکی مشاهده می‌شود.

۲. ایران باستان: قسمت دوم کتاب که آمیخته با بخش اول می‌باشد در مورد فرمانروایان ایران باستان از فریدون، دارا، اسکندر و ملوک الطوائف و ساسانیان است که در آن میان، در مورد اعراب نیز اطلاعاتی ارائه می‌دهد.

۳. تاریخ اسلام: این بخش که مفصل‌ترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از جنگ‌های اعراب و ایرانیان در دوره ابوبکر شروع شده و تا پایان خلافت معتمد یعنی سال ۲۲۷ هـ. را دربر می‌گیرد.

در مجموع دینوری در مورد حوادث و رویدادها یکسان توضیح نداده است و با توجه به گرایشات قومی و مذهبی و با توجه به حوادثی که آنها را اثرگذارتر می‌دانسته، در اثرش تأکید را بر آنها گذاشته است.

در مورد تفصیل حوادث ایران باستان بعضی ماجراها مثل شورش بهرام چوبین را مفصل توضیح می‌دهد و یا پیام‌های رد و بدل شده بین

## دینوری در حوادث تاریخ اسلام با توجه به تأکید بر تاریخ ایران از برخورد های پراکنده اعراب و ایرانیان در خلافت ابوبکر شروع و حوادث دوران خلافت عمر را - در جبهه ایران - مفصل توضیح می دهد و دوران عثمان را در یک صفحه و نیم خلاصه نموده، ولی دوران خلافت پنج ساله حضرت علی(ع) را مفصل نگاشته است

مؤلف بر خلاف شیوه مورخان هم عصر خویش غالباً، سلسله اسناد را  
حذف نموده و از عبارت قال و یا قالوا استفاده نموده است. در مواردی که  
راوی را نام می برد، فقط نام راوی و یا نام وی و نام پدرش را ذکر می کند و  
از ذکر سلسله سند خودداری می نماید

برای ابوالفضل در واقعه کربلا عنوان رحمة الله علیه<sup>۱۹</sup> قرار می دهد. همچنین دینوری برای محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب عنوان علیه السلام<sup>۲۰</sup> را قرار می دهد. این نکته قابل توجه است که مؤلف در دوره خلفای عباسی می زیسته و اثرش را در آن عصر نگاشته. بنابراین باید نظر بارتولد<sup>۲۱</sup> را که می گوید مورخین اسلامی تحت نظر عباسیان، تاریخ اسلام را بر ضد بنی امیه تحریف نموده اند، محل تردید دانست.

وی (مؤلف) طرز قصاص ابن ملجم و مخفی بودن قبر امام علی(ع) را (فلا یعلم این دُفن) براساس نظر اهل سنت ذکر می کند. و برای پیامبر همه جا از عنوان صلی... علیه و سلم استفاده می کند. در مجموع با توجه به مطالب بالا و اینکه قیام های علوی و ضد اموی و ضد عباسی را مفصل توضیح داده برای ابوبکر و عمر عنوان رضی... عنه قرار می دهد و امام حسین را در دوران قیام علیه السلام و قبل از آن رضی... عنه و برای زید بن علی رضی... عنه، با مقابله و مقایسه اینها شاید بتوان نتیجه گرفت که احتمالاً دینوری مذهب شیعه زیدی داشته است هر چند با قرائن ذکر شده نمی توان به طور قطع و یقین در مورد مذهب مؤلف قضاوت کرد.

با این که در این کتاب نشانه هایی از تعصب ایرانی دیده می شود، از جمله در نحوه گزارش قیام مختار و جنگ امین و مأمون - ولی دینوری حقایق را در ارتباط با اقوام مختلف و از جمله ایرانیان فدای گرایشات نموده است. در موردی اگر اعتقاد ایرانیان را تعصبی می داند، به عنوان اعتقاد آنها و نه واقعیت از آن یاد می کند و به عنوان نمونه می گوید: «ایرانیان معتقدند که اسکندر از نسل فیلیفوس نیست و از تخمه دارا، پسر بهمن بوده است.»<sup>۲۲</sup>

در متن عربی اخبار الطوال، کلمات فارسی نیز یافت می شود. از جمله کلمه «مرد مرد» که

نخارجان هنگام هموارد طلبیدن آن را به زبان آورده است و کلمات «دیوان آمدند دیوان آمدند»<sup>۲۳</sup> که اشاره به فریاد مردم مدائن هنگام آمدن اعراب است و یا کلمات «بدیخت مار بگز بگز»<sup>۲۴</sup> که در بحث نجات کرمانی از زندان نصربن سیار مطرح می گردد و یا «کافر کوبات»<sup>۲۵</sup> که پیروان ابومسلم به چوبدستی های خود می گفتند، عین فارسی این کلمات در متن عربی ذکر شده است.

ذکر حوادث در اخبار الطوال به ترتیب سنوات نیست، ترتیب بیان حوادث از لحاظ زمانی نیز دقیق نیست و در بسیاری از موارد تقدم و تأخر حوادث رعایت نشده است از جمله حوادث پس از مرگ یزید و جنگ های مهلب و خوارج و بعضی از حوادث مربوط به جنگ صفین در زمان های دورتر.

در بخش نخست کتاب این پراکندگی و عدم دقت و ترتیب بیشتر است. در واقعه شهادت حضرت علی(ع) سال و ماه را ذکر می کند ولی روز را ذکر نمی کند. نه ۱۷ رمضان و نه ۱۹ رمضان، هیچکدام را نمی نویسد می گوید: «چون آن شب رسید...»<sup>۲۶</sup> اخبار الطوال را باید از منابع مهم، معتبر و دست اول وقایع تاریخ اسلام و اواخر ساسانیان دانست. به قول دکتر زرین کوب، «ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال در باب فتوح اسلام نقل کرده که در دیگر مأخذ نیست، ابوحنیفه از نوادر روزگار خویش بوده و در حکمت و ریاضی دست داشته است و در اخبار او را از ثقاة شمرده اند.»<sup>۲۷</sup>

با وجود این، اشتباهاتی جزئی در کتاب دیده می شود از جمله اینکه وی اسکندر را امپراتور روم می داند و پدرش را خراجگزار دارا<sup>۲۸</sup> و در بیان وقایع بین طالوت و جالوت می گوید: «طالوت/ بنی اسرائیل را از نوشیدن آب منع کرد، ولی همگان به جز سبید و هفده تن یعنی به شمار یاران رسول خدا(ص) در جنگ بدر از آن آب نوشیدند»<sup>۲۹</sup> در حالی که اصحاب بدر ۳۱۳ نفر بوده اند نه ۳۱۷. وی مدت حکومت

ملوک الطوایف را ۲۶۶ سال ذکر می نماید<sup>۳۰</sup> در حالی که حکومت اشکانیان ۴۷۰ سال بوده است و این نکته احتمالاً متأثر از تحریفات عصر ساسانی و خداینامه های آن دوران است.

مؤلف حضرت عیسی(ع) را معاصر با اردشیر، بنیان گزار ساسانیان می داند<sup>۳۱</sup> در حالی که آن حضرت معاصر با هیچ اردشیری نبوده بلکه در اواسط حکومت اشکانیان به روزگار حکومت فرهاد چهارم اشکانی متولد شد (در فلسطین از ایالات روم).

دینوری در ابتدای حوادث مربوط به خلافت عمر زمان خلافت وی را ۱۳ سال<sup>۳۲</sup> می نویسد اما در انتهای مطلب، آن را ده سال و شش ماه<sup>۳۳</sup> ذکر می کند که دومی صحیح است. دینوری همچنین در مورد کشته شدن عمر هیچ نگفته است وی در ابتدای حوادث دوران خلافت امام علی(ع) می نویسد: آنگاه علی(ع) چنین اظهار فرمود که آهنگ سفر عراق دارد... عموم مردم برای رفتن به عراق با علی هماهنگ بودند جز سه نفر: سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر و محمد بن سلمه<sup>۳۴</sup> و در سه صفحه بعد هنگام بیان سخنان کسانی که از همراهی طفره می رفتند و بهانه می آوردند و بر جای ماندند آسامه بن زید را هم جزء آنان قرار می دهد و بحث او با امام را در این مورد بیان می کند<sup>۳۵</sup>. حقیقت این است که غیر از این چهار تن دیگرانی هم بودند که از همراهی امام امتناع ورزیدند تعداد همراهان علی(ع) از مدینه خود مبین آن است که اکثریت یاوران ایشان از حجاز نبود، بنا به گفته طبری مردم مدینه مردد بودند و به شبهه افتاده بودند<sup>۳۶</sup>.

در بیان جنگ های تن به تن در واقعه مهم صفین، و در ذکر مبارزات و کشته شدن حجرالشر دچار اشتباه شده است که در بررسی متن کاملاً آشکار است و نامفهوم می باشد. وی می نویسد: «جوانی از شامی ها به نام حجرالشر بیرون آمد و



اخبار الطوال تاکنون دوبار به فارسی ترجمه شده است.  
ابتدا صادق نشأت آن را ترجمه و در سال ۱۳۴۶ ش. چاپ نمود،  
سپس ترجمه‌ای مفیدتر با حواشی و توضیحات سودمند  
توسط دکتر محمود مهدوی دامغانی  
در سال ۱۳۶۴ منتشر شد

هماورد خواست حجر بن عدی به مبارزه او رفت هر دو به یکدیگر نیزه زدند و... از یکدیگر جدا شدند در حالی که حجر بن عدی زخمی شده بود. در این هنگام حکم بن ازهر که از اشراف کوفه بود، به جنگ با حجرالشیر پرداخت و به یکدیگر ضربتی زدند و حجرالشیر او را کشت و فریاد برآورد آیا هموردی هست؟ پسرعموی حکم بن ازهر بنام رفاعه بن طلیق به جنگ او شتافت و حجرالشیر او را هم کشت و علی (ع) فرمود: سپاس خدای را که او را همچون عبدا... بن بدیل کشت، روز دیگری عبدا... بن بدیل خزاعی که از بزرگان و خردمندان یاران علی (ع) بود با گروهی از سواران به میدان آمدند...<sup>۳۲</sup>

ناهماهنگی در متن کاملاً مشهود است: عبدا... بن بدیل، طبق آنچه خود دینوری در صفحات بعد نگاشته، و دیگر منابع نگاشته‌اند بعد از هموردی دو حجر آن هم به طریقی دیگر کشته شد وی دل بر قتل معاویه استوار کرده بود و پیشروی وی باعث سنگباران شدن از سوی یاران معاویه گردید، اما مبارزه دو حجر با مراجعه به دیگر منابع این طور اصلاح می‌شود «حجرالشیر توسط رفاعه بن ظالم کشته شد البته پس از آن که حکم بن ازهر را کشته بود و حجر بن عدی را زخمی نموده بود و علی (ع) فرمود سپاس خدای را که او را (حجرالشیر را) به انتقام خون حکم بن ازهر کشت»<sup>۳۳</sup> رفاعه پسر عموی حکم بود که انتقام خون وی را بگرفت.

موضوع دیگر اینکه دینوری فتنه عامر بن حضرمی را در بصره قبل از شروع جنگ صفین و هنگام حرکت امام برای جنگ می‌داند، در حالی که شواهد و قرائن حاکی از آن است که این فتنه پس از جنگ نهروان و در اواخر حکومت امام (ع) بروز کرد، یعنی هنگامی که نافرمانی‌های کوفیان و دیگر عراقیان به اوج رسیده بود و زمینه چنین فتنه‌هایی فراهم گردیده بود، معاویه عامر را فرستاد و آن فتنه

ایجاد گردید که در نهایت توسط جاریه و با درایت او حل گردید، این موضوع به صورت مفصل در الغارات ثقفی کوفی<sup>۳۴</sup> و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید<sup>۳۵</sup> آمده و با توجه به وضع یاران امام و موقعیت برتر ایشان قبل از صفین و بعد از جمل، انجام این آشوب و فتنه در آن محدوده زمانی و طولانی شدن آن امکان نداشت. درنگ یاران امام در حرکت برای جهاد و نافرمانی مربوط به این زمان نیست.

در جایی دیگر نام یکی از سرداران را که ائمال بن حجل بن عامر مذحجی است، جعل بن ائمال نگاشته است.<sup>۳۶</sup>

مؤلف مبلغی که مختار به عبدا... بن مطیع بخشید را صد هزار هزار درهم می‌نویسد که احتمالاً اشتباه مصحح یا اشتباهی تایپی بوده چنانکه مترجم در زیرنویس اشاره می‌نماید که صحیح آن صد هزار است و در نهایتاً الادب هم صد هزار آمده، در منابع دیگر نظیر یعقوبی نیز صد هزار درهم نوشته شده است.<sup>۳۷</sup>

اخبار الطوال تاکنون دو بار به فارسی ترجمه شده است، ابتدا صادق نشأت آن را ترجمه و در سال ۱۳۴۶ ش. چاپ نمود و سپس ترجمه‌ای مفیدتر با حواشی و توضیحات سودمند توسط دکتر محمود مهدوی دامغانی در سال ۱۳۶۴ ش. منتشر شد.

مترجم دوم انگیزه خود را از ترجمه مجدد آن چنین اعلام می‌کند: «با در نظر گرفتن نقص‌های ترجمه نشأت، و تکرار اشتباهات مصحح عربی در متن فارسی، ترجمه نکردن حاشیه‌های سودمند او، توضیح ندادن در مورد اسامی شاعران نامه‌های نهج البلاغه، قیابیل و... باعث و سبب اصلی ترجمه جدید بوده است.»

ترجمه دکتر دامغانی مانند سایر آثار ترجمه‌ای ایشان روان، هماهنگ با منظور مؤلف، همراه با توضیحات مفید در پاورقی است. تعداد شماره

ارجاعات و توضیحات مجموعاً ۵۱۱ مورد است. برخی اشتباهات و اشکالات جزئی نیز بر مترجم وارد است مثلاً وی می‌گوید (در مقدمه مترجم) از موسی (ع) در اخبار الطوال گفت‌وگو نشده و حال آنکه مؤلف مختصراً در مورد حضرت موسی (ع) مطالبی نوشته و بعضی از ماجراهای زندگی حضرت موسی را ذکر کرده است، آنجا که می‌گوید: «موسی بن عمران گریخت (از مصر) و خود را به مدین رساند و برخانه شعیب وارد شد و هشت سال خود را مزدور او قرار داد همچنان که خداوند متعال آن را در کتاب خود برای ما بیان فرموده است.»<sup>۳۸</sup>

به نظر مترجم دلیل اینکه دینوری در مورد مغازی و سیره رسول خدا (ص) سخنی نگفته، وجود آثاری چون سیره ابن اسحاق و مغازی واقدی بوده است. در حالی که به نظر می‌آید، دلیل اصلی دینوری تأکید و تعلق او به ایران و تاریخ آن بوده است. تاریخ اسلام را نیز تا آنجا که به ایران مربوط بوده نقل می‌کند چنان که مثلاً فتوحات عمر را در سمت ایران ذکر می‌کند و ابدأً از جنگ‌های مسلمانان و رومیان سخنی نمی‌گوید. چنان که بخش‌های قبلی کتاب هم بایران و فرمانروایان آن آمیخته است.

در مقدمه مترجم شروع بخش تاریخ اسلام، فتوحات روزگار عمر عنوان شده، در حالی که به نظر می‌رسد جنگ‌های اعراب با ایرانیان در روزگار ابوبکر باید آغازگر این بخش باشد. چرا که ابتدای جنگ‌های خالد، مثنی و سوید قبل از خلافت عمر بوده است.

در مقدمه مترجم آمده است دینوری واقعه کربلا را نسبتاً مفصل توضیح داده است. هر چند واقعاً هم نسبت به حجم کتاب مفصل است ولی مترجم در پایان حوادث کربلا در پاورقی می‌گوید،

## ذکر حوادث در اخبار الطوال به ترتیب سنوات نیست. ترتیب بیان حوادث از لحاظ زمانی نیز دقیق نیست و در بسیاری از موارد تقدم و تأخر حوادث رعایت نشده است

دکتر محمود مهدوی دامغانی انگیزه خود را  
از ترجمه مجدد کتاب چنین اعلام می کند:  
«با در نظر گرفتن نقص های ترجمه نشأت و تکرار  
اشتباهات مصحح عربی در متن فارسی، ترجمه نکردن  
حاشیه های سودمند او، توضیح ندادن در مورد اسامی شاعران، نامه های  
نهج البلاغه، قبایل و... باعث و سبب اصلی  
ترجمه جدید بوده است

- باید عذر دینوری را در تلخیص نسبی فاجعه کربلا موجه دانست، به خاطر روزگار زندگی او که عباسیان به علویان سخت می گرفته اند.<sup>۲۴</sup>
- در صفحه ۳۸۹ ترجمه فارسی کلمه «زیادبن» حذف شده و چاپ نگردیده است. **زیادبن عبدالرحمن** در ترجمه عبدالرحمن آمده و صفحه ۳۹۱ هم ۹۱ تایپ شده است. این هر دو مورد در غلطنامه پایانی کتاب هم نیامده است. مهم تر از همه اینکه سه خط از متن عربی جافتا شده و ترجمه نشده است، در ص ۳۹ عربی و در ترجمه فارسی ۴۳۱ وقایع دوران خلافت هارون الرشید. متن اصلی چنین است: «و فی سنة ثمانین و مائه عقد الرشید لعلی بن عیسی بن ماهان علی الخراسان، و فی ذلک العام خرج الرشید الی ارض الشام، و أخذ علی الموصل، فلما و افاه امر بهدم مدینتها، و قد کانوا و بنوابعامله.»
- پی نوشت ها:**
۱. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود: اخبار الطوال، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران، ۱۳۶۴ ش، چاپ اول، ص ۱۲، (مقدمه مترجم) به نقل از فهرست این ندیم ص ۸۶.
  ۲. دائرة المعارف فارسی مصاحب، شرکت سهامی کتاب های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۵۲۹.
  ۳. دینوری: پیشین ص ۱۳، مقدمه مترجم به نقل از دائرة المعارف القرن الرابع عشر، ج ۴، ص ۱۱۵، چاپ چهارم.
  ۴. ابو عبدا... محمد بن سلم کوفی مروزی دینوری؛ ابن قتیبه دینوری؛ نصر بن یعقوب دینوری؛ ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، رک: لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۱۰۰۵۳.
  ۵. دینوری، پیشین، ص ۱۸-۱۳، مقدمه مترجم.
  ۶. کسائی، نورا...: منتخب النصوص التاريخية و الجغرافية، سمت، تهران، ۱۳۷۷ ش، چاپ اول، ص ۱۳۸.
  ۷. زرین کوب، عبدالحسین: کارنامه اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ ش، چاپ سوم، ص ۱۶.
  ۸. دینوری، پیشین، ص ۱۹-۱۸، مقدمه مترجم.
  ۹. عالم زاده هادی؛ سجادی سیدصادق: تاریخنگاری در اسلام، سمت، تهران، ۱۳۸۰ ش، چاپ چهارم، ص ۶۱.
  ۱۰. دوران ۹۲ ساله امویان در ۱۴۵ ص و دوران عباسی از سفاخ تا پایان معتصم یعنی دوران ۹۵ ساله را در ۳۸ ص - محاسبه تعداد صفحات از روی ترجمه فارسی - . ۱۱. دینوری همان مأخذ، ص ۷-۳۰۶.
  ۱۲. دینوری، ابوحنیفه احمد بن ابی داود: اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال الدین الشیال قاهره، ۱۹۶۰م، الطبعة الاولى، بعد از مقدمه مصحح و قبل از شروع متن اصلی و بین کپی های نسخ.
  - ۱۳ و ۱۴ و ۱۵. دینوری، همان مأخذ (عربی) به ترتیب صفحات (۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴) و (۱۴۷، ۱۴۱ و...) و (۲۲۹).
  ۱۶. ۱۷، ۱۸، ۱۹. دینوری پیشین (عربی) به ترتیب (۲۵۸-۲۴۳) و (۲۱۸) و (۳۴۴ و ۳۰۶) و (۲۵۷).
  ۲۰. دینوری، پیشین، (عربی)، ص ۳۸۵.
  ۲۱. بارتولک، ولادیمیر واسیلی: خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم، ص ۸.
  ۲۲. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۵۴.
  ۲۳. دینوری، پیشین (عربی)، ص ۱۵۶.
  ۲۴. دینوری، پیشین (عربی)، ص ۱۶۱.
  ۲۵. دینوری، پیشین (عربی)، ص ۳۵۲.
  ۲۶. دینوری، پیشین (عربی)، ص ۳۶۱.
  ۲۷. دینوری، پیشین (ترجمه فارسی)، ص ۲۶۱.
  ۲۸. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹ ش، چاپ هشتم، ص ۲۴.
  ۲۹. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۵۵.
  ۳۰. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۴۲.
  ۳۱. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۶۸.
  ۳۲. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۷۱، ۱۱۱.
  ۳۳. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۱۴۴.
  ۳۴. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۱۷۴.
  ۳۵. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۱۷۶.
  ۳۶. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۱۷۹.
  ۳۷. مورخین تعداد سپاهیان امام علی (ع) از مدینه را برای جنگ بین ۳۰۰ تا هزار نفر نوشته اند.
  ۳۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر: تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲ ش، ج ۶ ص ۲۳۵۲.
  ۳۹. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۲۱۷.
  ۴۰. نقل به معنی از: نصر بن مزاحم منقری: پیکار صفین، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ش، چاپ دوم، ص ۳۳۴ و ابن ابی الحدید: جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۸۲ باید توجه داشت که مؤلف «وقعة صفین» حوادث را مفصل تر و دقیق تر از دینوری نگاشته مضافاً اینکه وی متقدم تر از دینوری نیز هست.
  ۴۱. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد: الغارات، ترجمه محمدباقر کمره ای، انتشارات فرهنگ اسلام تهران، ۱۳۵۶ ش، فصل فتنه عبدا... بن حصرمی در بصره نام وی در دینوری عامر و در الغارات و شرح نهج البلاغه عبدا... است.
  ۴۲. ابن ابی الحدید: پیشین، ج ۲ فصل مربوط فتنه عبدا... بن حصرمی در بصره.
  ۴۳. دینوری: پیشین (فارسی) ص ۲۱۴ و در منابع صحیح و درست آن: رک. نصر بن مزاحم، پیشین، ص ۶۰۶ و ابن ابی الحدید همان، ج ۴، ص ۶۳.
  ۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح یعقوبی): تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ ش، چاپ پنجم، ج ۲، ص ۲۰۲.
  ۴۵. دینوری، پیشین (فارسی)، ص ۳۶.
  ۴۶. دینوری، پیشین (فارسی)، باورقی ص ۳۰۸.